

بررسی درجه مجازات بزه دربردارنده شلاق تعزیری و یا جزای نقدی همراه با حبس با درجه پایین تر

محمد یکرنگی^۱، محمد مهدی شیرازی^۲

چکیده:

با تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مجازات‌های تعزیری به ۸ درجه تقسیم شدند که این ابتکار اگرچه در محدود کردن مجازات‌های تعزیری و قابل پیش‌بینی بودن این قسم از مجازات‌ها مؤثر بوده لیکن اشکالات جدیدی را نیز در این خصوص پدید آورده است. از جمله این اشکالات، تعیین درجه مجازات به هنگامی است که شلاق تعزیری یا جزای نقدی با حبس تعزیری با درجه پایین تر همراه باشد. در این خصوص بررسی رأی وحدت رویه شماره ۷۴۴ دیوان عالی کشور و مقررات ضمنی قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، ما را به نظریه شدیدتر انگاشتن بزه حبس در برابر شلاق تعزیری یا جزای نقدی رهنمون می‌سازد. اگرچه این نظر در میان حقوقدانان مورد پذیرش قرار نگرفته و دارای معارض است. به نظر می‌رسد جهت ایجاد رویه‌ای واحد، تصریح شدیدتر بودن مجازات با درجه بالاتر در اصلاحات قانون مجازات اسلامی مفید فایده باشد.

کلید واژگان: حبس، درجه‌بندی، شلاق تعزیری، جزای نقدی

۱. استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲. کارشناسی ارشد حقوق بشر دانشگاه تهران، قاضی دادگستری، تهران، ایران

mehdishirazi@ut.ac.ir

با تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، تقسیم‌بندی جدیدی از جرایم تعزیری ارائه گردید. در حالی که در قوانین مجازات اسلامی بعد از انقلاب اسلامی، درجه‌بندی مجازات‌های تعزیری به چشم نمی‌خورد، قانون مذکور مجازات‌های تعزیری را به ۸ درجه تقسیم‌بندی کرد. این تقسیم‌بندی در موارد متعددی از جمله تعیین دادگاه صالح، تعلیق تعقیب، تعویق صدور حکم، تخفیف مجازات، تشدید مجازات، تعلیق مجازات و ... مفید فایده است. همچنین «درجه‌بندی صحیح مجازات‌ها، نقش مؤثری در صدور احکام قضایی عادلانه و متناسب با جرایم داشته و ایجاد نظم در رویه قضایی را موجب می‌شود» (شمس ناتری و کرامتی معز، ۱۳۹۵: ۲۲۶). به همین دلیل شناخت این‌که هر مجازات تعزیری در چه درجه‌ای قرار خواهد گرفت و در صورت اختلاف در شناخت، تفسیر قانونی متناسب که منتج به درجه‌بندی صحیح شود، می‌تواند مؤثر در تصمیمات قضایی و صدور احکام عادلانه باشد.

صرف‌نظر از نظرات مختلف در خصوص تقنین ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که برخی از آن به عنوان «یکنواخت‌سازی فله‌ای» (آل طه، ۱۳۹۳: ۱۲۷) مجازات‌ها نام برده‌اند و برخی نیز آن را «برجسته‌ترین و محوری‌ترین ویژگی تعزیر» (کرامتی معز، ۱۳۹۴: ۹) نامیده‌اند، جهت تشخیص حدود و ثغور درجه‌بندی‌های موضوع ماده مذکور نیز ناگزیر به مراجعه به متن ماده معنونه هستیم. مقنن در تبصره‌های ۲ و ۳ ماده یادشده، راهکارهایی جهت شناخت درجات مجازات‌های تعزیری به دست می‌دهد. تبصره ۲ ماده معنونه اشعار می‌دارد: «مجازات‌ی که حداقل آن منطبق بر یکی

از درجات فوق و حداکثر آن منطبق با درجه بالاتر باشد، از درجه بالاتر محسوب می‌شود». همچنین تبصره ۳ این ماده تصریح می‌کند: «در صورت تعدد مجازات‌ها، مجازات شدیدتر و در صورت عدم امکان تشخیص مجازات شدیدتر، مجازات حبس ملاک است...». درخصوص تبصره صدرالذکر، به مواردی اختصاص دارد که مجازات هم‌جنس باشد. به عنوان مثال مجازات حبس باشد و یا این‌که شلاق تعزیری و یا جزای نقدی باشد و حداقل و حداکثر آن به درجات متفاوتی تعلق داشته باشد که در این صورت، تبصره مذکور اجرا خواهد شد. تبصره ۳ ماده یادشده نیز حکم مواردی را مشخص می‌نماید که مجازات‌های غیرهم‌جنسی در مقام مقایسه قرار داشته باشند. در این صورت نیز مجازات شدیدتر ملاک است و در موارد عدم امکان تشخیص، مجازات حبس ملاک است. این تبصره اگرچه ظاهراً جهت رفع اشکالات احتمالی تقنین شده لیکن اختلاف در آراء را نیز در برداشته است تا آن‌جا که رأی وحدت‌رویه شماره ۷۴۴ مورخ ۱۳۹۴/۰۸/۱۹ جهت رفع اختلافات حادث شده، صادر شد.

از مواردی که امکان استناد به تبصره ۳ ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ جهت رفع اختلاف وجود دارد، بزه عدم ثبت واقعه طلاق یا ازدواج است که به صورت هم‌زمان دربردارنده حبس درجه ۷ و جزای نقدی درجه ۵ است. رأی صادره از دادگاه بدوی نیز به جهت صالح دانستن خویش به استناد شدیدتر بودن مجازات حبس (درجه ۷) در مقایسه با جزای نقدی (درجه ۵) است. این رأی در دادگاه تجدیدنظر نقض و جهت اعاده به دادسرا جهت رسیدگی و صدور کیفرخواست (در صورت اثبات) به دادگاه بدوی ارسال شده است. مواردی که متعاقباً خواهد آمد در پی بررسی

رأی صادره از دادگاه بدوی به لحاظ شکلی و ماهوی و نیز یافتن راه‌حل تعیین مجازات شدیدتر در موارد همراهی مجازات حبس با مجازات‌های شلاق تعزیری و جزای نقدی است.

۱. آراء صادره

حسب اعلام جرم دادگاه عمومی حقوقی به دادستان شهرستان، فردی مرتکب بزه عدم ثبت واقعه ازدواج شده است. دادسرا با صدور قرار عدم صلاحیت با این استدلال که بزه مزبور درجه ۷ محسوب می‌شود و به استناد ماده ۳۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ قرار عدم صلاحیت به شایستگی دادگاه کیفری دو صادر نموده است. دادگاه کیفری دو با صالح فرض کردن خویش، به موضوع رسیدگی و در نهایت مرتکب را به پرداخت هشتاد میلیون ریال جزای نقدی که چهارپنجم آن تعلیق شده است، محکوم می‌نماید.

مشخصات رأی بدوی

شماره دادنامه: ۹۷۰۹۹۷۱۷۴۹۱۰۱۸۶۴

تاریخ: ۱۳۹۷/۱۱/۱۷

اتهام: عدم ثبت واقعه طلاق در دفاتر رسمی

مرجع رسیدگی کننده: شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو شهرستان رامیان

«به تاریخ بیست و یکم آبان‌ماه نمود و دو در وقت مقرر شعبه ۱۰۱ دادگاه عمومی جزایی گنبد به تصدی اینجانب امضاءکننده ذیل تشکیل است. شعبه با عنایت به مجموع اوراق پرونده ختم دادرسی را اعلام و به شرح ذیل و با استعانت از خداوند متعال مبادرت به انشاء رأی می‌نماید:

درخصوص اتهام آقای ح.ق. فاقد سابقه کیفری اهل و ساکن گنبد متأهل، آزاد با قرار وجه التزام دایر بر عدم ثبت واقعه ازدواج دائم، دادگاه با توجه به مجموع اوراق و

محتویات پرونده اعم از گزارش دادرس محترم شعبه اول دادگاه عمومی حقوقی رامیان و اقرار متهم در محضر دادگاه، توجه اتهام به متهم محرز و مسلم تشخیص؛ علی‌هذا مستنداً به ماده ۴۹ از قانون حمایت خانواده حکم به محکومیت متهم به پرداخت هشتاد میلیون ریال جزای نقدی در حق دولت صادر و اعلام می‌شود و با توجه به فقدان سابقه کیفری و وضع خاص متهم و اقرار به ارتکاب بزه و با رعایت مقررات مواد ۴۶ الی ۵۵ از قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ اجرای چهارپنجم مجازات را برای مدت یکسال به صورت ساده معلق و اعلام می‌نماید در صورتی که در مدت تعلیق به ارتکاب جرم عمدی موجب حد، دیه یا تعزیر تا درجه ۷ محکومیت قطعی یابد، دادگاه قرار تعلیق را لغو و دستور اجرای حکم معلق را صادر خواهد نمود. این رأی حضوری محسوب و ظرف مهلت بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در محاکم محترم تجدیدنظر استان گلستان می‌باشد.»

«درخصوص تجدیدنظرخواهی محکوم علیه ح.ق. نسبت به دادنامه شماره ۱۸۶۴ - ۱۳۹۷/۱۱/۱۷ صادره در پرونده شعبه محترم ۱۰۱ دادگاه کیفری دو شهرستان رامیان به شماره بایگانی ۹۷۱۱۹۵ که مشعر به صدور حکم به محکومیت نامبرده به پرداخت مبلغ هشتاد میلیون ریال به عنوان جزای نقدی در حق دولت بابت ارتکاب بزه عدم ثبت واقعه نکاح دائم با ح.ط می‌باشد و اجرای چهارپنجم مجازات برای مدت یک سال معلق شده است؛ نظر به این‌که بزه معنونه ازجمله جرایم درجه پنج می‌باشد و در چنین مواردی مطابق ماده ۳۳۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ محاکم کیفری صرفاً در صورت صدور کیفرخواست کتبی دادستان، قرار جلب به دادرسی دادگاه و ادعا (کیفرخواست) شفاهی دادستان مجاز به رسیدگی می‌باشند و در مانحن‌فیه درخصوص اتهام انتسابی، نه‌تنها قرار جلب به دادرسی صادر نشده، بلکه موارد مذکور در ماده قانونی مرقوم نیز صادر نشده و به عبارت دیگر تشریفات دادرسی در این خصوص رعایت نگردیده است و این امر سبب حذف یک مرحله از دادرسی و تضییع حقوق دفاعی متهم (تجدیدنظرخواه) خواهد شد، لذا مستنداً به تبصره ماده ۴۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ ضمن نقض دادنامه تجدیدنظرخواسته، پرونده جهت رعایت تشریفات دادرسی مذکور به دادگاه محترم نخستین اعاده می‌گردد. رأی صادره مستنداً به ماده ۴۴۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ قطعی است.»

۲. نقد محتوایی

حسب رأی اصداری از شعبه دادگاه بدوی بزه عدم ثبت واقعه ازدواج یا طلاق، موضوع ماده ۴۹ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱، بزه‌ی درجه هفت تشخیص داده شده و بدون تعقیب موضوع در دادسرا نیز نسبت به آن اظهارنظر و حکم قطعی صادر شده است. موضوع مورد بحث در آنچه ذکر شد و موارد مشابه، ترجیح مجازات حبس بر شلاق و یا جزای نقدی و به صورت کلی ترجیح انواع مجازات‌ها بر یکدیگر است. حسب تبصره ۳ ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، «در صورت تعدد مجازات‌ها، مجازات شدیدتر و در صورت عدم امکان مجازات شدیدتر، مجازات حبس ملاک است». تصور عمومی حقوقدانان و رویه قضایی بر این است که هرچه درجه مجازات بالاتر باشد، مجازات شدیدتر است حتی اگر مجازات با درجه پایین‌تر از نوع جزای نقدی یا شلاق و مجازات با درجه بیش‌تر از نوع حبس باشد. همین نوع دیدگاه نیز در رأی تجدیدنظر رأی فوق‌الذکر مورد عمل قرار گرفته است: «در چنین مواردی مطابق ماده ۳۳۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ محاکم کیفری صرفاً در صورت صدور کیفرخواست کتبی دادستان، قرار جلب به دادرسی دادگاه و ادعا (کیفرخواست) شفاهی دادستان مجاز به رسیدگی می‌باشند و در مانحن‌فیه در خصوص اتهام انتسابی، نه تنها قرار جلب به دادرسی صادر نشده، بلکه موارد مذکور در ماده قانونی مرقوم نیز صادر نشده و به عبارت دیگر تشریفات دادرسی در این خصوص رعایت نگردیده است».

اختلاف اصلی میان حقوقدانان ناشی از این امر نیست که در خصوص ترجیح مجازات شدید بر مجازات خفیف نظرات متفاوت وجود داشته باشد،

بلکه این اختلاف از نحوه تشخیص مجازات شدید نسبت به مجازات خفیف نشأت می‌گیرد. علت اصلی این اختلاف ریشه در این امر دارد که «در مورد این که چه مجازاتی شدیدتر است در قانون ملاک روشنی تعیین نشده است» (بهرمند، ۱۳۹۲: ۱۲۳). همچنین «این نوع تقسیم‌بندی در شدت و ضعف مجازات‌ها با دید و عرف عموم فاصله دارد» (جوانمردی و دیگران، ۱۳۹۷: ۴۲). به عنوان مثال «میزان جزای نقدی مقرر در این مواد با میزان حبس در نظر گرفته شده هیچ‌گونه همخوانی ندارد» (جوانمردی و دیگران، ۱۳۹۷: ۴۲). همین امر سبب شده است که در تعیین دادگاه صالح، به دلیل ملاک عمل قرار گرفتن «جرم مهم» یا «مهم‌ترین جرم» اختلاف پدید آید. صرف‌نظر از این که قانون‌گذار در دو قانون مرتبط با یکدیگر (قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲) دو اصطلاح متفاوت (جرم مهم و جرم شدید) را در یک معنا به کار برده، درخصوص تعریف این اصطلاح نیز کوتاهی کرده است.

از ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی این‌گونه برداشت می‌شود که مجازات‌های با درجه بالاتر، علی‌الاصول - و حداقل در مجازات‌هایی از یک نوع - شدیدتر از مجازات‌های با درجه پایین‌تر هستند. به عنوان مثال مجازات درجه ۱، حبس بیش از بیست و پنج سال را در برخواهد داشت و مجازات درجه ۲، حبس بیش از پانزده تا بیست و پنج سال. بر همین اساس یقیناً مجازات درجه ۱، حداقل در نوع حبس آن، از مجازات درجه ۲ شدیدتر است و درخصوص مقایسه انواع دیگر مجازات‌های درجات ۱ و ۲ با مجازات حبس اختلاف وجود دارد. در این رابطه موارد ذیل قابل ذکر به نظر می‌رسد:

در ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی و در مقام جرم‌انگاری «شروع به جرم» برای جرایمی که مجازات قانونی آن‌ها حبس تعزیری درجه ۵ است، شروع به جرم، جرم‌انگاری شده است لیکن درخصوص جرایمی که مجازات قانونی آن مجازات جزای نقدی درجه یک است، شروع به جرم، جرم‌انگاری نشده است. با وجود این که همواره جهت پیشگیری از وقوع جرم، شروع جرم نیز جرم‌انگاری می‌شود قانون‌گذار جرمی که مجازات آن جزاء نقدی درجه ۱ باشد را به حدی شدید ندانسته است که شروع به جرم آن را جرم‌انگاری نماید لیکن شروع به جرم جرمی که مجازات آن حبس تعزیری درجه ۵ است را، جرم‌انگاری نموده است و این نشان از اهتمام قانون‌گذار به مشدد انگاشتن مجازات حبس نسبت به سایر مجازات‌ها دارد. این موضوع در ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و در مقام تعیین مجازات تبعی هم به چشم می‌خورد. حسب ماده یادشده برای مجازات حبس درجه پنج، مجازات تبعی وجود خواهد داشت لیکن در مورد مجازات جزای نقدی درجه ۱ مجازات تبعی تعیین نخواهد شد. در ماده ۳۷ این قانون نیز، مجازات حبس به حدی شدید انگاشته شده است که قابل تبدیل به سایر مجازات‌ها نیست لیکن سایر مجازات‌های تعزیری قابلیت تبدیل به مجازات‌های دیگر را خواهند داشت.

صرف‌نظر از مثال‌های یادشده به نظر می‌رسد آنچه حجت را بر همگان تمام کند، تعیین مجازاتی است که قانون‌گذار در ماده ۶۱ قانون بیمه اجباری خسارات واردشده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵ داشته است: «هرکس با انجام اعمال متقلبانه ... وجوهی را بابت خسارت دریافت کند، به حبس تعزیری درجه ۶ و جزای نقدی معادل

دو برابر وجود دریافتی محکوم می‌شود. شروع به جرم مندرج در این ماده علاوه بر مجازات مقرر برای شروع به جرم در قانون مجازات اسلامی، مستوجب جزای نقدی درجه پنج می‌باشد». حسب صراحت این ماده، شروع به جرم این بزه که علی‌الاصول بایسته است از انجام آن سبک‌تر باشد، جزای نقدی درجه پنج را در بردارد و ارتکاب تام این بزه، حبس تعزیری درجه شش را شامل می‌شود. بر همین منوال می‌توان استنباط نمود که از نظر مقنن، مجازات‌های حبس مرجح بر سایر انواع مجازات‌ها هستند حتی در صورتی که مجازات غیر حبس درجه بالاتری از مجازات حبس داشته باشد.

دیوان عالی کشور نیز در رأی وحدت رویه شماره ۷۴۴ مورخ ۱۳۹۴/۰۸/۱۹ به شدیدتر بودن مجازات حبس در مقایسه با سایر مجازات‌ها اذعان داشته است: «در مواردی که مجازات بزه حبس توأم با جزای نقدی تعیین گردیده، کیفر حبس ملاک تشخیص درجه‌ی مجازات و بالتیجه صلاحیت دادگاه است». برخی نظریات در مقام تحدید رأی وحدت رویه مذکور برآمده‌اند. به عنوان مثال برخی حقوقدانان معتقدند که «جایگاه اعمال رأی یادشده را باید شناخت و آن جایی است که نتوان بین آن‌ها شدت و خفت را تشخیص داد ... و نباید این موضوع را به هر موضوعی که تعدد مجازات است تسری داد» (پور قهرمانی، ۱۳۹۷: ۴۴).

در رأی تجدیدنظر نظریه شدیدتر بودن حبس پذیرفته نشده و نظریه شدیدتر انگاشتن مجازات با درجه بالاتر مورد تأیید قرار گرفته است: «بزه معنونه [عدم ثبت واقعه ازدواج یا طلاق] از جمله جرایم درجه پنج می‌باشد». حسب ماده ۴۹ قانون حمایت خانواده، این بزه شامل مجازات «جزای نقدی درجه پنج و یا حبس تعزیری درجه هفت» می‌شود و بنا به نظر دادگاه

تجدید نظر نه تنها مجازات این بزه مجازات درجه هفت محسوب نمی‌شود بلکه جزء مجازات‌های درجه پنج قرار گرفته است. نظریه شدیدتر دانستن مجازات با درجه بالاتر، اگرچه شاید مورد حمایت مقنن و یا رویه قضایی خاص (آراء وحدت رویه دیوان عالی کشور) قرار نگرفته است لیکن توسط دکترین پذیرفته شده است. علت عمده این موضوع نیز تشتت آراء به هنگامی است که در میان سایر مجازات‌ها (به غیر از حبس) قرار بر تعیین مجازات شدید باشد. به عنوان مثال برای پاسخ به این سوال که مجازات جزای نقدی درجه چهار شدیدتر است یا شلاق تعزیری درجه ۶، در صورتی که مجازات با درجه بالاتر را شدیدتر ندانیم در مثال یادشده نمی‌توان مقایسه‌ای انجام داد و در صورتی که مجازات با درجه بالاتر را شدیدتر بدانیم، جزای نقدی درجه چهار شدیدتر اعلام می‌شود اما باید به این سوال پاسخ دهیم که چرا سایر مجازات‌ها با درجه بالاتر شدیدتر هستند لیکن در مورد حبس این گونه نیست. به نظر می‌رسد جهت ایجاد رویه واحدی در میان قضات، تأیید شدیدتر بودن مجازات با درجه بالاتر مفید فایده است تا در برخورد با مسائل، چندگانگی و چنددستگی در آراء ایجاد نشود.

با عنایت به این که مجازات بزه موضوع رأی صادره، جزای نقدی درجه پنج یا حبس درجه هفت است، صرفاً می‌توان متهم را به یکی از مجازات‌های مذکور محکوم کرد و حسب ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، جزای نقدی درجه پنج شامل بیش از هشتاد میلیون ریال تا یکصد و هشتاد میلیون ریال است لیکن دادگاه، متهم را به پرداخت جزای نقدی به میزان هشتاد میلیون ریال محکوم نموده در حالی که مجازات جزای نقدی درجه پنج شامل بیش از هشتاد میلیون ریال است و مجازات هشتاد

میلیون ریال جزء مجازات جزای نقدی درجه ۶ محسوب می‌شود. همچنین حسب ماده ۵۴ قانون فوق‌الاشعار در صورتی که محکوم از تاریخ صدور قرار [تعلیق اجرای مجازات] تا پایان مدت تعلیق، مرتکب یکی از جرایم عمدی موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه هفت شود، قرار تعلیق لغو خواهد شد، لیکن در رأی صادره به ارتکاب «قصاص» اشاره نشده است.

۳. نقد ساختاری

حسب ماده ۳۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ «دادگاه پس از اعلام ختم دادرسی با استعانت از خداوند متعال، با تکیه بر شرف و وجدان و ... به انشاء رأی مبادرت می‌کند» و عموماً عبارت «با تکیه بر شرف و وجدان» قبل از صدور رأی قید می‌گردد که این مورد در رأی صادره مورد اشاره قرار نگرفته است. همچنین رأی صادره فاقد هرگونه گردش کار است. در رأی اصداوری اساساً اشاره نشده است که چگونه پرونده در دستور کار قرار گرفته است و روندی که در صدور رأی طی شده به چه نحوی بوده قید نشده است.

علاوه بر این، در خصوص دلایل اشاره‌شده، اساساً مشخص نشده هرکدام از دلایل چه سهمی در اثبات موضوع دارند. به عبارت دیگر صرفاً به «گزارش دادرس محترم شعبه اول دادگاه عمومی حقوقی» و «اقرار متهم در محضر دادگاه» اشاره شده است لیکن مشخص نشده است که گزارش دادرس شعبه اول دادگاه عمومی حقوقی، حاوی چه موضوعی است و یا این که اقرار متهم به چه صورت و با چه الفاظی بوده است چرا که بایستی اقرار با قرائن و امارات پرونده مطابقت داشته باشد و این تطابق در رأی مورد اشاره قرار نگرفته است. همچنین، در ابتدای نگارش رأی صادره، شعبه دادگاه حوزه قضایی دیگری غیر از حوزه قضایی محل خدمت قاضی ثبت شده است. تاریخ صدور رأی نیز

بیست و یکم آبان‌ماه سال نود و دو اعلام شده است در حالی که تاریخ رأی صادره ۱۳۹۷/۱۱/۱۷ بوده است و شعبه دادگاه صادرکننده رأی، عمومی جزایی معرفی شده در حالی که در قانون آیین دادرسی کیفری جدید (مصوب ۱۳۹۲) این نام به نام دادگاه کیفری دو تغییر یافته است.

نتیجه

در تبصره ۳ ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، اگرچه راهکاری جهت ترسیم سیر تشخیص مجازات اشد ارائه شده است لیکن اماراتی که در قانون مذکور و قانون بیمه اجباری خسارات واردشده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵ موجود است، موجب ایجاد این نظریه می‌شود که راهکار ارائه‌شده در ماده صدرالذکر دچار ابهام گردد. رأی وحدت‌رویه شماره ۷۴۴ دیوان عالی کشور نیز موجب تقویت این نظریه شده است.

با توجه به این‌که تشخیص مجازات اشد در موارد متعددی در رسیدگی‌های قضایی مؤثر است به نظر می‌رسد مقنن باید با تصویب اصلاحیه‌ای بر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، لفظ «مجازات با درجه بالاتر» را به عنوان راهکار شناخت مجازات شدیدتر استفاده کند چراکه لفظ «مجازات شدیدتر» که در تبصره ۳ ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ استفاده شده است در حال حاضر نمی‌تواند راهگشای مفسرین در تشخیص مجازات شدیدتر باشد. همچنین تصریح به این امر که «مجازات حبس صرفاً در مواردی به عنوان راهکار شناخت مجازات شدیدتر استفاده می‌شود که مجازات‌های متعدد از یک درجه باشند» در اصلاحات آتی قانون مذکور ضروری به نظر می‌رسد.

فهرست منابع:

- آل طه، سید هاشم (۱۳۹۳)، «آسیب‌شناسی درجه‌بندی مجازات‌ها در قانون جدید مجازات اسلامی»، **فصلنامه تعالی حقوق**، دوره جدید، شماره ۷.
- بهره‌مند، حمید (۱۳۹۶)، «درجه‌بندی تعزیرات، از نوآوری تا بازاندیشی»، **فصلنامه مجلس و راهبرد**، سال بیست و چهارم، شماره نود و دو.
- پورقهرمانی، بابک (۱۳۹۷)، «از درجه‌بندی چهارگانه جرایم تا درجه‌بندی هشت‌گانه کیفرهای تعزیری؛ آسیب‌ها و خلاءها»، **نشریه علمی و پژوهشی فقه و حقوق اسلامی**، سال نهم، شماره شانزدهم.
- جوانمردی، محمد وحسین آقایی میدی و محمدعلی مهدوی ثابت (۱۳۹۷)، «تحلیل مفهوم و تفاوت جرایم شدید از اشد»، **فصل‌نامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری**، شماره سی و هفت.
- شمس‌ناتری، محمد ابراهیم و هادی کرامتی معز (۱۳۹۵)، «آسیب‌شناسی درجه‌بندی هشت‌گانه مجازات تعزیری»، **تحقیقات حقوق تطبیقی ایران بین‌الملل**، سال نهم، شماره سی و سوم.
- کرامتی معز، هادی (۱۳۹۴)، **مبانی و کارکردهای درجه‌بندی مجازات‌های تعزیری مصوب ۱۳۹۲**، تهران: دانشگاه تهران.
- محبی، جلیل و زینب ریاضت (۱۳۹۷)، **شرح قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲**، جلد ۱ و ۲، چاپ اول، تهران: بنیاد حقوقی میزان